

اهداف عربستان از گسترش روابط باارمنستان

آزارات میزرویان، وزیر امور خارجه ارمنستان در مصاحبه اختصاصی با روزنامه عربستانی عرب نیوز درباره روابط ارمنستان و عربستان صحبت کرد. وی گفت: «ما از نظر تاریخی روابط دوستانه‌ای با جهان عرب داشته‌ایم، این روابط شامل همه کشورهای عربی می‌شود و بر اساس روابط دوستانه، تاریخی و سنتی بین مردم ارمنستان و جهان عرب بوده‌است.» او ادامه داد: «نباید فراموش کرد که بسیاری از کشورهای عربی به محل اقامت پناهندگان ارمنی و بازماندگان نسل‌کشی ارمنه‌تبدیل شده‌اند. "میزرویان ضمن اشاره به روابط فرهنگی بین ارمنستان و کشورهای عربی گفت که در چنین فضائی اندکی عجیب بود که بین جمهوری ارمنستان و عربستان سعودی، حتی روابط دیپلماتیک وجود نداشت. وزیر خارجه ارمنستان، همکاری دو کشور در آینده را امیدبخش توصیف و ادامه داد: «صادقانه بگویم هیچ محدودیتی برای همکاری دو کشور در زمینه‌های، آموزش، علوم، فناوری پیشرفته، توسعه شهری، کشاورزی، گردشگری، ارتباطات مردمی، سرمایه‌گذاری تجاری و زیرساخت‌ها وجود ندارد.» میزرویان تأکید کرد که باید همکاری بسیار خوب و نزدیکی با عربستان، نه تنها در زمینه مسائل منطقه‌ای، بلکه در حوزه بین‌المللی ایجاد شود. گفتنی است آزارات میزرویان در روز ۲۹ فروردین به عربستان سفر و در ریاض با فیصل بن فرحان آل سعود، وزیر امور خارجه پادشاهی عربستان سعودی دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار طرفین با ابراز خرسندی از توسعه روابط سیاسی بین ارمنستان و عربستان سعودی، بر تمایل به ارتقای توسعه همکاری‌ها در زمینه‌های مورد علاقه طرفین تأکید کرده و به چشم انداز توسعه همکاری‌ها در زمینه‌های تجاری و اقتصادی، گردشگری، آموزشی، فناوری اطلاعات همچنین به ارتقای ارتباطات مردمی و روابط تجاری پرداختند. آزارات میزرویان فیصل بن فرحان آل سعود همچنین در مورد موضوعات همکاری در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی در بسترهای چند جانبه از جمله در زمینه برگزاری «اکسپوی جهانی ۲۰۳۰» گفت وگو کردند.

آغاز رسمی روابط دیپلماتیک عربستان و ارمنستان

عربستان سعودی برای چندین دهه از برقراری روابط دیپلماتیک با ارمنستان به دلیل درگیری با جمهوری آذربایجان بر سر منطقه مورد مناقشه قره باغ خودداری کرده بود. در واقع عربستان سال‌ها به دلیل مناقشه قره باغ نمی‌خواست با ارمنستان روابط دیپلماتیک برقرار کند. اما این سیاست از سال ۲۰۲۱ تغییر کرد. تا اینکه بالاخره بیخ روابط این دو کشور در آورمه سال ۱۴۰۲آب شد و ایران و ریاض روابط دیپلماتیک رسمی برقرار کردند. به همین مناسبت وزارت امور خارجه ارمنستان در بیانیه‌ای اعلام کرد: «دو کشور با هدف تقویت روابط دو جانبه و گسترش دامنه همکاری‌ها و همچنین حمایت از امنیت و صلح بین‌المللی روابط دیپلماتیک برقرار کردند.» در این بیانیه آمده بود که پروتکل برقراری روابط در ابوظبی توسط کارن گریگوریان، سفیر ارمنستان در امارات و سلطان بن عبدال... العنقری، سفیر عربستان در امارات متحده عربی امضا شد. بعد از این بیانیه آزارات میزرویان وزیر امور خارجه ارمنستان به عربستان سعودی سفر کرد که این اولین سفر عالی رتبه دو کشور پس از برقراری روابط دیپلماتیک در نوامبر ۲۰۲۳ بود.

چرایی اهمیت ارمنستان برای عربستان
عربستان سعودی در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا نقش پررنگ‌تری در منطقه داشته باشد. یکی از مناقشاتی که توجه عربستان را به خود معطوف کرده و این کشور تلاش دارد در آن به ایفای نقش بپردازد اختلاف آذربایجان و ارمنستان است. ریاض سعی دارد تا در مناقشه بین ایران و باکو میانجیگری کند و به این واسطه به کشوری تاثیرگذار در مناسبات منطقه‌ای تبدیل شود.

علاوه بر این عربستان در توسعه روابط خود با ایران به جنبه اقتصادی این تعاملت تأکید فراوانی دارد و ارمنستان را کشوری مناسب برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های خود می‌بیند.

همچنین عربستان سعودی که به دلیل رقابت‌های سیاسی، از قدرت ترکیه و ایران در منطقه هراسان است نسبت به نقش تعیین کننده این دو کشور در مناقشه بین ارمنستان و آذربایجان حساس است به همین دلیل سعی دارد تا با میانجیگری بین این دو کشور نقش آنکارا و تهران در ارمنستانی نیز بهبود روابط با عربستان و تقویت روابط طرفین می‌تواند مفید باشد و اقدامات ترکیه و آذربایجان برای منزوی کردن ارمنستان را خنثی کند.

دوشنبه ۰۳ • ۰۲ • ۱۴۰۳
۱۳ شوال ۱۴۴۵ / ۲۲ آوریل ۲۰۲۴

سال هفتم شماره ۱۸۱۱

armanmeli.ir

مهدی ذاکریان در گفت وگو با «آرمان ملی»:

اسرائیل می‌خواست توجهات را از غزه متوجه ایران کند

آرمان ملی - حمید شجاعی؛ خاورمیانه همواره آبستن حوادث مختلفی بوده و در این میان جنگ پای ثابت این تحولات و طی یک ساله اخیر نیز مساله غزه و جنگ اسرائیل با حماس این گزاره را معنایذیر کرده است. با این حال آنچه مسلم است پس از عملیات طوفان الاقصی که به واقع اسرائیل را تا حدی زمین‌گیر کرد اسرائیلی‌ها بسیار تلاش کردند به هر نحو ممکن پاسخ درخوری به این عملیات حماس بدهند، اما در نهایت پس از ۶ ماه نه تنها چیزی به دست نیاورده‌اند بلکه چیزی جز کشتار بی‌رحمانه زنان و مردان و کودکان نصیب شان نشده است. لذا نتایجها و مردانش راه حل را تغییر منطقه جنگ از غزه به کشورهای منطقه دانستند تا بدین طریق افکار عمومی و جو جهانی را از غزه منحرف کنند. به همین جهت پروژه حمله به کنسولگری ایران را رقم زدند؛ حمله‌ای که فکرش را هم نمی‌کردند با پاسخ سخت ایران مواجه شوند. اما در این میان

تولقات اخیر منطقه خاورمیانه به ویژه حمله اسرائیل به کنسولگری ایران و پاسخ ایران در قالب عملیات وعده صادق را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه تاثیراتی در منطقه داشته است؟

نتایج اتفاقات کاملا محسوس است و در روابط بین الملل برخی نتایج فوری و ملموس و قابل ادراک است و به سرعت دیده می‌شود. مثلا یک سیاست خارجی اتخاذ می‌شود یا یک انتخاباتی در کشور صورت می‌گیرد و نتیجه آن بالا و پایین شدن بهای نفت می‌شود. اینها تغییرات ملموس، فوری و قابل درک می‌شود. ولی برخی تغییرات است که ملموس نیست و به لحاظ فضای عمومی و افکار عمومی و جهانی یک کشور می‌تواند تعاتی را برای آن کشور داشته باشد. لذا اتفاقات اخیر از لحاظ علمی و روابط بین الملل ۲ نتیجه تغییرات ملموس و ناملموس دارد. تغییرات ملموسش این است که اسرائیل از یک بن بست بزرگی که در غزه گرفتارش بود و از یک باتلاق بزرگ که در غزه گرفتارش بود خارج می‌شود. اسرائیل به لحاظ عملیاتی چندین ماه است که عملیات‌های مختلفی انجام می‌دهد و می‌خواست این عملیات خود را گسترش دهد و در

دره‌بین بود، اما با این اتفاقاتی که افتاد نتایهاه توانست مسائل را متوجه ایران کند و الان اقداماتی که آنجا انجام می‌دهد خیلی زیر ذره بین نیست و لذا این به نفع اسرائیل شد. یک همبستگی رابه وجود آورده که هر جور هست به سرانحه افکار می‌کنند. تاثیر ناملموسش نیز این است که در حوزه افکار عمومی جهانیان و روابط خارجی کشورها تا چه حد ایران و اسرائیل به خاطر این رخداد در انزوا قرار می‌گیرند. آن چیزی که شفاف و روشن است اسرائیل یک مکان دیپلماتیک رازده و درست است که مستشاران نظامی ایران در آنجا بودند، اما آنها در یک مکان دیپلماتیک با یک مصونیت دیپلماتیک به دعوت رسمی یک کشور عضو سازمان ملل در آن مکان حضور داشتند وغیرقانونی در آنجا حضور نداشتند. لذا افسران رسمی به دعوت رسمی کشور دیگر در یک مکان دیپلماتیک حضور داشتند که اسرائیل به آن مکان دیپلماتیک حمله کرده است. قاعدتا به لحاظ قدرت ناملموس و به لحاظ تغییرات ناملموس اسرائیل باید به خاطر کاری که انجام داد در انزوا قرار می‌گرفت. در حالی که می‌بینیم ورق برگشته و به جای اینکه اسرائیل محکوم شود ایران را محکوم می‌کنند و ایران زیر سوال قرار می‌گیرد که چرا به حمله تروریستی اسرائیل پاسخ داده است. لذا اتفاقات و آنچه که هست این است که ایران هم می‌خورد، هم می‌زند و هم محکوم می‌شود. نه شورای امنیت، نه مجامع بین‌المللی و نه کشورها هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند. ببینید وقتی ایران پاسخ اسرائیل را در عملیات وعده صادق داد هیچ کدام از کشورها نیامند از ایران دفاع کنند و حتی روسیه و چین طرفین را دعوت به خویشن داری کردند. روسیه وقتی اسرائیل مکان دیپلماتیک ایران را زد اسرائیل را محکوم نکرد. فقط از غربی‌ها سوال کرد که چرا ایران نمی‌تواند از خود دفاع کند و به جای اینکه اسرائیل را محکوم کند، اما وقتی ایران پاسخ اسرائیل را داد گفت که بایستی خویشن داری داشته باشیم. لذا چین و روسیه آن هم نه برای ایران بلکه صرفا به خاطر توسعه حساب با غربی‌ها از این بازار استفاده کردند و با آنها در جلسه شورای امنیت تسویه حساب کردند. واضح است که آنها نه بر مبنای خواست و منافع ایران که روی منافع ملی خود می‌ایستند.

با وجود اینکه اسرائیل کل توجهات خود را روی جنگ غزه گذاشته بود تا دستاوردی از این جنگ داشته باشد مخصوصا پس از عملیات طوفان الاقصی؛ اما به یک آن پس از ۶ ماه جنگ را منطقه‌ای می‌کند و به کنسولگری ایران در سوریه حمله می‌کند؛ اساسا هدف اسرائیل از این مساله چه بود؟

هدف این بود که اسرائیل پوششی درست کند تا اقدامات خود را در غزه و رفخ جلو ببرد و ضمنا از طرف دیگر نیروی مقاومتی که برای حماس مانده را زمین‌گیر کند. حماس فی نفسه نفت، پول، ثروت و امکاناتی ندارد و کشورهای عربی نیز کنارش نایستاده‌اند و پول خرج نمی‌کنند. بنابراین اسرائیل به این نتیجه رسید که باید قدرت اقتصادی و مال حماس را به لحاظ پشتیبانی بگیرد و قدرت مبارزاتی را هم در میدان از آنها بگیرد. به همین لحاظ عملیاتی در سوریه انجام داد و به کنسولگری کشورمان در دمشق حمله کرد، اما نپذیرفت و اعلام هم نکرد که آنها حمله کرده‌اند، چرا که اسرائیلی‌ها معمولا مسئولیت هر چیزی را که مغایر حقوق بین‌الملل و روابط بین الملل باشد را به عهده نمی‌گیرند و اعلام هم نمی‌کنند. اینجا هم اعلام نکردند که مشکلات بین‌المللی برایشان به وجود نیاید. اسرائیل نیز کار خود را انجام داد و مسئولیت را عهده‌دار نشد ولی در عمل توانست توجهات و افکار عمومی را روی

اسرائیل یک مکان دیپلماتیک رازده و درست است که مستشاران نظامی ایران در آنجا بودند، اما آنها در یک مکان دیپلماتیک با یک مصونیت دیپلماتیک به دعوت رسمی یک کشور عضو سازمان ملل در آن مکان حضور داشتند و غیرقانونی در آنجا حضور نداشتند. لذا افسران رسمی به دعوت رسمی کشور دیگر در یک مکان دیپلماتیک حضور داشتند که اسرائیل به آن مکان دیپلماتیک حمله کرده است. قاعدتا به لحاظ قدرت ناملموس و به لحاظ تغییرات ناملموس اسرائیل باید به خاطر کاری که انجام داد در انزوا قرار می‌گرفت. در حالی که می‌بینیم ورق برگشته و به جای اینکه اسرائیل محکوم شود ایران را محکوم می‌کنند

موضوع ایران ببرد تا قدرت نظامی حماس را در میدان بگیرد و به نفس اقتصادی، تجیزرانی و لجستیکی یا حمایت‌های اینگونه که پشت حماس بوده اینگونه ضربه و آسیب بزند. در واقع اسرائیل با این کار با یک تیر چندین نشان زده است. نگاه کنید به نتایج ملموس و ناملموس که آیا از ملی اسرائیل بی‌ارزش شده یا اتفاقی برایش افتاده است؟ از طرفی ادامه‌دار شدن جنگ در غزه به ضرر اسرائیل تمام نشده و در عمل نوار غزه که اسرائیل قبلا از آن خارج شده بود و در اختیار دولت خودگردان و حماس قرار گرفته بود عملا اداره آنجا به لحاظ بالفعل از دست حماس خارج شده و نمی‌تواند اداره کند. یعنی جمعیت پراکنده و خیلی‌ها بی‌پناه شده‌اند و اگر هم بخواهد دوباره برگردد یک مخروبه‌ای است که در دست هر کس قرار بگیرد دیگر توانی برای آن آرمانی که حماس اعلام می‌کرد وجود نخواهد داشت. شرایط آنقدر نامناسب و وحشتناک است که حالا معلوم نیست اسرائیل پس از این چه خواهد کرد. اگر در کرانه باختری هم این شانس وجود داشت که دولت مستقلی برای مردم فلسطین به واسطه آقای محمود عباس و دوستانش برای فلسطین به وجود بیاید همان هم کم‌رنگ شده و در آنجا هم اسرائیل مداخلت و حضورهایی که داشته و باز داشت با اقداماتی که ناقض حقوق مردم بوده و در آنجا انجام داده مبین این است که فضا را برای مردم فلسطین تنگ‌تر کرده است. وقتی فضا هم تنگ‌تر باشد نتیجه‌این می‌شود که شهرک سازی مستحکم می‌شود و اشغال ادامه می‌یابد و از سال ۱۹۶۷ که می‌بینیم همچنان اسرائیل سرزمین‌های اشغالی را در يد خودش دارد.

مواجهه آمریکا در قبال اسرائیل و مساله حماس و ایران که از طرفی جنبه حمایتی در جهت تامین امنیت اسرائیل می‌گیرد و از طرفی جنبه کنترل‌گری و عدم اجازه تحرکات پیش رونده یا تهاجمی از سوی اسرائیل دارد را چگونه تحلیل می‌کنید؟

من معتقدم که آمریکا رویکرد گانه‌ای در قبال اسرائیل ندارد و اتفاقا آمریکایی‌ها روی بقا و امنیت اسرائیل با هیچ کشوری معامله نمی‌کنند. یعنی نمی‌آید با روس‌ها، ایران، عربستان، مصر یا... معامله کند که امنیت اسرائیل را برفروشد و در ازای آن از طرف مقابل امتیاز بزرگی بگیرد. خط قرمز آمریکایی‌ها امنیت

آمریکارویکرد گانه‌ای در قبال اسرائیل ندارد و اتفاقا آمریکایی‌ها بر روی بقا و امنیت اسرائیل با هیچ کشوری معامله نمی‌کنند. یعنی نمی‌آید با روس‌ها، ایران؛ عربستان، مصر یا... معامله کند که امنیت اسرائیل را بفروشد و در ازای آن از طرف مقابل امتیاز بزرگی بگیرد. خط قرمز آمریکایی‌ها امنیت و بقای اسرائیل است و آنها متحد استراتژیک بودند و هستند

آرمان ملی

سیاست

ذره بین

رقص آشفته اعراب در خاورمیانه جدید

ایران در پاسخ به حمله تروریستی اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق، اهداف اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی را هدف بیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد قرار داد؛ واکنشی که به ادعای رسانه‌های غربی با واکنش ادعایی اسرائیل در پایگاه شکاری اصفهان همراه بود. تحلیلگران می‌گویند تحولات اخیر عصر تازه‌ای را در خاورمیانه رقم زد: «رویارویی در سایه» ایران و اسرائیل به پایان رسیده و اکنون یک رویارویی مستقیم میان دو بازیگر رقم خورده، هرچند این احتمال بالاست که سطح تنش‌ها پس از این کاهش یابد.

چرا ریاض و ابوظبی به تفرقاتفاندند؟

از آنجا که خاورمیانه دگرگیر تحولاتی غیرقابل پیش‌بینی شده، تهدیدها برای شش عضو شورای همکاری خلیج فارس که به گردن جلوه‌گیری از گرفتار شدن در تیررس یوپایی تشدید دگرگیری در منطقه هستند، بالاست؛ گزاره‌ای که می‌تواند امنیت ملی و اقتصادی آنها را به خطر بیندازد. به استثنای بحرین، همه اعضای شورای همکاری خلیج فارس حمله تروریستی اسرائیل به ساختمان دیپلماتیک ایران در سوریه را محکوم کردند.

در این میان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی احتمالا تلاش کردند تا تعادلی ایجاد کنند، اما پس از پاسخ تهران به تل آویو، کشورهای حاشیه خلیج فارس به تفرقاتفاندند چرا که منطقه را در آستانه جنگی تمام عیار می‌دیدند. عربستان سعودی به سرعت گزارش‌ها مبنی بر دست داشتن این بازیگر در رهگیری پهپادها و موشک‌های ایرانی پرتاب شده به سرزمین‌های اشغالی را رد کرد. همزمان با تشدید خصومت‌ها، ابوظبی که بعد از دو سال از زمان عادی سازی روابطش با اسرائیل رابطه دیپلماتیک خود با ایران را هم احیا کرده، تلاش کرد تا در قالب نظم خاورمیانه تازه، نقشی بی‌طرفانه ایفا کرده و در شرایط بیچیده و چندلایه‌ای ژئوپلیتیکی کنونی ایفاگر نقش بازیگری غیر متعهد باشد. عربستان سعودی نیز به طور مشابه تلاش داشت تا در دو زمین بازی کند، همان الگویی که این بازیگر در جریان حمله روسیه به اوکراین نیز از آن پیروی کرده است. به نوشته میدل ایست‌ای، هم امارات متحده عربی و هم عربستان سعودی برای ترسیم چشم انداز خود برای آینده پس از نفت به دنبال این هستند که به عنوان مراکز تجاری که مناطق متعددی از جهان را به هم پیوند می‌دهند، ظاهر شوند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با تمرکز بر دستیابی به تنوع اقتصادی و رفاه بلندمدت در داخل، خواهان ثبات هستند.

آزمونی تازه برای ایران و عربستان

به ادعای میرا الحسین، جامعه‌شناس و محقق اماراتی فعال در مرکز الولید دانشگاه ادینبورگ، امارات و عربستان سعودی «بر روی رشد اقتصاد خود و جذب سرمایه‌گذاری خارجی تمرکز شدند.» حسین به میدل ایست‌ای گفت: «در حالی که درجه‌ای از بی‌ثباتی در منطقه جهت جذب سرمایه و نیرولزام است، درجه بالایی از بی‌ثباتی می‌تواند همه این دستاوردها را خنثی کند.» به ادعای این کارشناس، بر کسی پوشیده نیست که کشورهای حاشیه خلیج فارس از تلاش جسورانه ایران برای بازتعریف قوانین تعامل با اسرائیل و آمریکا بسیار نگران هستند، اما بیش‌ترین نگرانی آنها احتمال گسترش این رویارویی‌ها به سواحل خلیج فارس است. شیخ نواف بن مبارک آل ثانی، کارشناس امنیتی که پیش از این به عنوان ابستمه دفاعی قطر در ایالات متحده، کانادا و مکزیک خدمت می‌کرد، به میدل ایست‌ای گفت: «در پرتو جنگ‌های چند دهه در خاورمیانه، فکر می‌کنم نگرانی اصلی اکثریت تصاعد تنش است. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس وارد «جنگ همیشگی» دیگری می‌شوند که در آن هزینه‌ها بالاست در حالی که سود ناچیز است یا اصلا وجود تنش‌زدایی بین ریاض و تهران تأثیر خواهد گذاشت نیز یک سؤال مهم است. همه دلایل عربستان سعودی برای احیای روابط دیپلماتیک با ایران همچنان با برجاست. مورد طرف ایرانی هم همین‌طور است. واکنش ریاض به تشدید خصومت‌ها بین ایران و اسرائیل و عزم این کشور برای فاصله گرفتن از بمباران اهداف انصار... در یمن از سوی آمریکا و بریتانیا، نشان دهنده تعهد این کشور به فرایند تنش‌زدایی با تهران است. با این وجود، عربستان سعودی همچنان به ایران و فهرست بلندبالای بازیگران غیردولتی عرب همسو با تهران که سابقه خصومت با این پادشاهی دارند، تردید دارد. یکی از نگرانی‌های اصلی سیاست‌گذاران در ریاض به ناشناخته‌ها مربوط می‌شود که چگونه اعضای «محور مقاومت» در صورت خارج شدن تنش‌های منطقه‌ای از کنترل ممکن است عمل کنند و چگونه رفتار آنها ممکن است بر امنیت و منافع ژئوپلیتیکی اعضای شورای همکاری خلیج فارس تأثیر خواهد گذاشت.

چنین عواملی فرایند تنش‌زدایی عربستان و ایران را همزمان با افزایش تنش‌های منطقه‌ای به ازومن می‌گذارد. به ادعای ناظران، درک این نکته حیاتی است که انگیزه ایران برای پاسخ پهپادی و موشکی به اسرائیل صرفا ایجاد همسایگان خود در مورد برد و دقت تسلیحات ایران بود و به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تأکید کرد که تعهد واکنشنگن به امنیت اسرائیل بسیار فراتر از هر چیزی است که ایالات متحده به متحدان و شرکای خود در شبه جزیره عربستان ارائه می‌دهد.

حسین با اشاره به این مقوله مدعی شد: «من فکر می‌کنم کشورهای شورای خلیج فارس می‌دانند که رابطه با اسرائیل متقابل نیست و ایالات متحده مایل نیست به آنچه که آمریکا اساسا به عنوان یک توافق ناظر بین کشورهای مختلف شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل می‌داند، پاداش‌های ارزشمندی ارائه دهد.» او گفت که با توجه به اینکه اعضای شورای همکاری خلیج فارس که رابطه‌شان با اسرائیل عادی کرده‌اند، اهمی برای متقاعد کردن تل آویو جهت کاهش تنش ندارند، بر این مقوله تأکید داشت که کشورهای عربی باید روابط فریدی خود را با ایران مدیریت کنند.

و بقای اسرائیل است و آنها متحد استراتژیک بودند و هستند. الان در داخل آمریکا اگر بپرسید که تهران پایتخت کدام کشور است یا ایران کجاست خیلی از شهروندان آمریکایی اصلا نمی‌دانند که ایران کجاست یا نام پایتختش چیست. ولی اگر بپرسید که نخست وزیر اسرائیل کیست همه پاسخ می‌دهند نتانیا‌هو در حالی که ایران ۷۰ برابر از اسرائیل بزرگ‌تر است و تاریخ و تمدنی بیش از ۲۵۰۰ سال دارد، اما وضعیتش در آمریکا بدین صورت است. اما اسرائیل که رژیم‌ی است تأسیس شده در سال ۱۹۴۸ نام نخست وزیرش را می‌دانند و چه بسا نام وزیر دفاع و وزیر خارجه و... را هم بدانند. اصلا اسرائیل پایگاه دوم آمریکا در خاورمیانه است و باید اسرائیل را به عنوان یک متحد استراتژیک آمریکا دید. بنابراین آمریکایی‌ها چه جمهوری خواه باشند و چه دموکرات در بروی امنیت و بقای اسرائیل معامله نمی‌کنند. اما در مورد تعامل اسرائیل با همسایگانش و واکنش اسرائیل به مسائلی که علیه امنیت ملی اش اتفاق می‌افتد آمریکایی‌ها نظر دارند و نظرات خود را هم اعلام می‌کنند. نتانیا‌هو اعلام کرده که ما مستقیما و حرف‌های آمریکا را هم می‌توسیم ولی ما تصمیم می‌گیریم. یعنی نمی‌تواند به ما دیکته کند. اما واقعیت اینگونه نیست و اسرائیلی‌ها به شدت تحت تاثیر سیاست آمریکایی‌ها هستند و اینگونه نیست که درجه انحراف و اختلافشان فاحش یا قابل توجه باشد. بلکه تا اندازه‌ای ممکن است شما انحراف را ببینید. در همین مساله ایران یا فلسطینی‌ها دولت بایدن به اسرائیل فشار آورد که نسل‌کشی نباید صورت بگیرد. بنابراین در این موضوع از اسرائیل حمایت نکرد که به چه شیوه‌ای می‌خواهد با حماس مقابله کند. آمریکایی‌ها حماس را تروریست دانستند حتی در مورد اسرائیل که دفاع کند و هر قطعه‌ام‌ه‌ای که آمد پیش نویس آن را وتو کردند الا یکی که در مورد کمک‌های امدادسانی و بشردوستانه بود. حتی همین چند روز پیش بود که آمریکایی‌ها قطعنامه شورای امنیت برای عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل را وتو کردند. بنابراین اختلاف را نباید خیلی عمیق دید.

با توجه به اینکه آمریکا تضمین کننده موجودیت و امنیت اسرائیل است چرا سیاست واحدی در قبال اسرائیل نداشته و بعضا در برخی موارد دست از حمایت آنها بر می‌دارند؟

من معتقدم این به وضعیتی بازمی‌گردد که امروز آمریکا دارد. مدیران کنونی آمریکا به شدت دنبال این هستند که وضعیت معیشت، اقتصاد، پیشرفت آمریکا را بر خلاف رویه ترامپ با یک شیوه اقتصادی به یک وضع ممتاز در دنیا تبدیل کنند. یعنی بدون هیاهوی ترامپ بیایند و برای آمریکا اعتباری بیاورند. بنابر این الان آمریکایی‌ها به شدت مشغول ایجاد تثبیت اقتصادی در کشورشان هستند. رشد اقتصادی چین از ۲۵ به ۵ رسیده و از زمانی که بایدن آمده هر جایی که تنش بوده در مساله اقتصاد و عظمت آمریکا در حال ترمیم همه هستند. لذا آمریکایی‌ها نمی‌خواهند خودشان را درگیر مساله‌ای کنند که هزینه آن برای خودشان باشد و سعی می‌کنند که آن هزینه را برای دیگران به وجود بیاورند. دریای سرخ نا امن شد و خسارتی که آمریکا‌های می‌بینند محدودتر از خسارتی است که چینی‌ها می‌بینند. اوکراین آسیب دیده، اما خسارتی که روس‌ها می‌بینند کمتر از خسارتی است که آمریکایی‌ها می‌بینند. از آن طرف رقبای اروپایی آمریکا مثل آلمان هم مجبورند بهای این اتفاقات را بدهند. در واقع آمریکا به نحوی بحران‌ها را مدیریت می‌کند. مثل جنگ جهانی اول که در گوشه‌ای از دنیا بود و کمترین آسیب را دید و بازنده این جنگ اروپا و کشورهای دگرگیر بودند. در جنگ جهانی دوم نیز موقعی ورود پیدا کرد که برنده اصلی میدان و نبرد باشد و بازنده‌اش هم کشورهایی باشند که در اقتصاد سلامت بودند. جنگ سرد و نظم نوین جهانی را نیز به همین صورت مدیریت کرد. لذا با نگاهی تک قطبی ورود پیدا کرد و دید نگاه تک قطبی برایش هزینه می‌برد و کشورهای دیگری را ورود کرد و چین و ژاپن و... را به عنوان قدرت‌های سیاسی و اقتصادی وارد کرد ولی در عمل سعی کرد خود را از هزینه‌ها دور کند. الان نیز بحران را در مناطق مختلف جغرافیایی تقسیم کرده است. حتی چین را در مرز چند قدمی مرز تایوان جلو برد و همچنان هزینه‌اش را برای چین زنده نگه داشت. همین الان هزینه‌ای که برای ملت ایران به‌وجود آورده چقدر است؟ نفت ایران فروش می‌رود، اما به چه قیمتی و خریداران از کدام کشورها هستند؟ اگر تحقیقی کنید نباید حیرت کنید که برخی از خریداران نفت ایران شرکت‌های آمریکایی باشند و با تخفیف نفت ایران را می‌خرند و سود عظیمی می‌برند. آمریکا بدون اینکه گلوله‌ای شلیک کند اسرائیل را به عنوان یک مهره در منطقه قرار می‌دهد که تسلیحات خود را بفروشد و از آن طرف چین و روسیه را درگیر می‌کند. لذا آمریکا سکون ندارد و تصمیم‌گیری دراز مدت دارد.